

نامه به روزنامه کیهان پیرامون سخنان آقای سلیمی نماینده میانه

هیات محترم تحریریه روزنامه کیهان

در شماره مورخ ۶۵/۱/۲۴ آن روزنامه در سخنان قبل از دستور آقای موسی سلیمی نماینده میانه مطالبی خلاف واقع به نهضت آزادی ایران نسبت داده شده که اظهار و انتشار آن مصداق اشاعه اکاذیب و توهین و افترا محسوب می‌شود. خواهشمند است به حکم عدالت اسلامی و طبق قانون مطبوعات پاسخ ذیل را جهت اطلاع ایشان و قضاوت خوانندگان آن روزنامه درج فرمائید.

ابتدا لازم است از آقای سلیمی تشکر کنیم که از حق قانونی خود استفاده کرده و از تریبون مجلس در مورد بعضی از مواضع و نظرات نهضت از جمله مسئله جنگ با لحنی دوستانه تذکر داده و ما را نصیحت کرده‌اند.

ایشان در مورد جنگ می‌گویند:

”از نظر قانون اساسی جنگ در اختیار مقام مقدس رهبری می‌باشد شما حق رأی ندارید... اگر اهل قانون هستید نباید حرف بزنید و اصرار بورزید زیرا قانون جنگ را به عهده رهبر قرار داده و اگر متشرع و اهل دین و مقلد هستید باز هم باید از مرجع اطاعت کنید اگر دموکراتیک هستید به رأی مردم اعتبار قائل شوید زیرا مردم جنگ و ادامه آن را می‌خواهند و شعار و اظهارات آنها در شهر و روستا و تمام مراکز مملکت و اجتماعات یک فرماندوم طبیعی است باید بپذیرید“

و به دنبال آن جمع‌بندی کرده و می‌گویند که نهضت آزادی مخالف قانون و شرع و دموکراسی است. مقدمتاً باید بگوییم آنچه ما در مورد جنگ نوشته‌ایم متکی به دین (قرآن و سنت) و قانون اساسی بوده و با اعتقاد به دموکراسی همواره برای آزادی و حاکمیت واقعی ملت در چارچوب قانون اساسی تلاش نموده‌ایم. در اینجا برای روشن شدن اتهامات مذکور توجه ایشان را به توضیحات زیر جلب می‌نمائیم:

۱- قانون اساسی که وظیفه ”فرماندهی کل نیروهای مسلح“ از جمله ”اختیار اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع“ را به عهده رهبری گذارده و به همین ترتیب وظائف و اختیارات سایر مسئولان مملکتی را مشخص ساخته برای نمایندگان مردم در مجلس و آحاد ملت نیز همزمان حقوقی را مشخص ساخته است. اصل هشتماد و چهارم قانون اساسی تصریح می‌کند که ”هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید“ و بر اساس اصل هشتماد و ششم ”مقام ایفای این وظائف در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند.“ از سوی دیگر برای ملت که منشأ قدرت و حاکمیت هستند و بر اساس اصل پنجاه و ششم ”خدا انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است“ بر اساس اصل سوم دولت جمهوری اسلامی را موظف به تأمین ”مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش“ نموده

است و بر اساس اصل ششم "امور کشور باید با اتکاء به آراء عمومی اداره شود" و اصل هشتم نیز بر اساس نص آیات محکم قرآنی "دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر" را "وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت" تصریح کرده است.

امیر مؤمنان علی(ع) پیشوای اول ما شیعیان نیز در خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه فرموده "برای من که بر شما حکومت می‌کنم حقی است بر شما و برای شما نیز حقی است بر من مانند حقی که بر شما دارم".

با توجه به مطالب بالا آیا اظهار نظر در مورد مهمترین و سرنوشت‌سازترین مسئله کنونی جامعه توسط جمعی از آحاد این ملت که سوابق و خدمات آنان برای ملت روشن می‌باشد خلاف شرع و قانون اساسی است؟ اگر این منطق درست باشد از آنجا که کلیه مسئولیت‌های مملکتی در قانون اساسی به عهده اشخاص محول شده است بنابراین نه تنها مردم بلکه نمایندگان مجلس نیز در هیچ موردی حق اظهار نظر نخواهند داشت و فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر باید برای همیشه تعطیل شود!!

اگر قانون اساسی مسئولیت فرماندهی کل نیروهای مسلح و اعلان جنگ و صلح را در اختیار رهبری قرار داده بدیهی است که به مفهوم تعطیل سایر اصول قانون اساسی و سلب اختیار قانونی از ملت و نمایندگان وی در مجلس نمی‌باشد. هر مسئولی بر اساس اختیاراتی که به وی تفویض شده به وظایف محوله عمل می‌نماید و در عین حال نمایندگان ملت و آحاد مردم نیز باید به وظیفه "مشارکت در تعیین سرنوشت خویش" و نظارت بر کار مسئولان مملکتی و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر قیام بنمایند تا زمینه‌های انحراف و فساد از بین برود و جامعه انسانی و الهی تحقق یابد.

اصولاً نفی حقوق ملت و تمرکز اختیارات به طور مطلق در یک فرد یا قشر خاص از ویژگی‌های نظام‌های استبدادی است که مغایر مبانی قرآنی و روش و سنت پیامبر و ائمه طاهرين عليهم السلام می‌باشد. قرآن کریم اصل شورا را برای اداره جامعه مطرح می‌سازد. پیامبر اکرم آن را به ویژه در مدینه که رهبری جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشته‌اند به کار بسته‌اند. حضرت علی نمونه برجسته این تعالیم در دوران خلافت و در مسند حکومت می‌گوید: "از حقه‌گویی و مشورت به عدل خودداری نکنید زیرا من برتر از آن نیستم که خطا بکنم."^۱

مگر رهبری انقلاب و سایر دست‌اندرکاران جنگ مقامشان از پیامبر و علی بالاتر است که نیازی به شنیدن نظرات مردم و صاحب‌نظران جامعه نداشته باشند؟

آقای سلیمی با این سخنان خود مقام رهبری را نه تنها به قداست و عصمت پیامبران بلکه به الوهیت رسانیده‌اند و جایی برای ما و خودشان و ملت باقی نگذارده‌اند حال آنکه رهبری انقلاب خود چنین مطالبی را اظهار نکرده و یقیناً مخالف آن هم می‌باشند.

سرگذشت رژیم‌های استبدادی در طول تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که خود مردم در زمینه‌سازی آن نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. آقای سلیمی با این بیان خود عملاً می‌خواهند شعار و سنت استبداد شاهنشاهی که گفته می‌شد "چه فرمان یزدان چه فرمان شاه" را احیا نمایند. مگر نمایندگان ملت نباید پاسدار ارزشهای انقلاب و آرمان‌های ملت باشند؟ مگر ملت به دنبال "محو هرگونه استبداد و خودکامگی و

1. نهج‌البلاغه خطبه ۲۰۷- فلا تکفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل، فانی لست فی نفسی بفق ان اخطی

انحصارطلبی و "تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی" و "حاکمیت ملت" نبود؟ جا دارد آقای سلیمی قانون اساسی و مبانی اسلامی را مرور مجددی بفرمایند تا با حقوق خودشان به عنوان نماینده مردم و حقوق ملت آشنا شوند و بتوانند بر اساس سوگندی که به قرآن مجید در مجلس یاد کرده‌اند از حقوق ملت و قانون اساسی و آرمانهای انقلاب اسلامی دفاع کنند.

نهضت آزادی ایران با توجه به محدودیت‌های موجود به وظیفه قانونی و شرعی خود و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل کرده و نظرات خود را در باب جنگ به اطلاع مسئولان مملکتی و ملت شریف ایران رسانده و خواهد رساند و این عمل نه تنها به سرنوشت جنگ صدمه‌ای نمی‌زند بلکه اگر عمومیت یابد و نظر مردم و نمایندگان واقعی مردم آزادانه مطرح شود و مورد توجه رهبری و دست اندرکاران قرار گیرد می‌تواند راهی به سوی پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ بگشاید.

۲- در مورد سؤال آقای سلیمی که گفته‌اند آیا ما متشرع و اهل دین هستیم باید بگوییم اتفاقاً به همین دلیل است که در مورد جنگ اظهار نظر نموده و تبعات این اقدام را نیز متحمل می‌شویم. ایشان بیان داشته‌اند که اگر چنین هستید باید از مرجع تقلید اطاعت کنید. به نظر می‌رسد که آقای سلیمی توجه نفرموده‌اند که:

اولاً- در اینجا حکم شرعی جنگ مطرح نیست زیرا ما و فرمانده کل قوا توافق داریم که در زمان غیبت امام معصوم جنگ ابتدائی حرام و خلاف شرع است. بنابراین اختلاف نظر در حکم مطرح نیست که مسأله اجتهاد و تقلید مطرح شود.

ثانیاً- اختلاف در اینجاست که پس از فتح خرمشهر و آیا ادامه جنگ از طرف جمهوری اسلامی ایران جهت تدافعی دارد یا به صورت تهاجم درآمده است. به عبارت دیگر اختلاف در مصداق است و به عقیده فقها مصداق نه تنها به عهده مجتهد نیست بلکه به عهده فرد فرد مکلفین است.

ثالثاً- اگر کسی از دستور صریح الهی که فرموده است "فان جنحوا للسلام فاجنح لها" "وان یریدوا ان یخدوک فان حسبک الله" و فرمان الهی "و ان طائفتان من المؤمنین..." قطع به وجوب پایان جنگ پیدا کند و از طرف دیگر با توجه به خونریزی وسیعی که بین دو ملت مسلمان ادامه دارد و حرمت ریختن خون جز در راه حق جائز نیست در مشروعیت ادامه جنگ شک نماید آیا قطع او برایش حجیت ندارد و آیا می‌توان با داشتن چنین قطعی از فقیهی تقلید کند که از راه اصول و ادله ظنی به حکم شرعی رسیده است.

حال فرض کنیم که سخن آقای سلیمی در مورد لزوم تقلید در چنین مسأله‌ای که به طور قطع در حیطه تقلید نمی‌گنجد مورد قبول باشد. آیا آقای سلیمی نمی‌دانند که بسیاری از مراجع مسلم تقلید با ادامه جنگ در شرایط کنونی موافق نیستند و آن را به نفع مملکت و دو ملت مسلمان ایران و عراق نمی‌دانند؟

۳- آقای سلیمی در ادامه سخنان خود می‌گویند: چون اکثریت مردم خواهان ادامه این جنگ هستند اصول دموکراسی ایجاب می‌کند نهضت آزادی نیز تسلیم مردم شود. ما در این مورد نظر خود را در بیانیه مورخ ۶۴/۳/۱۸ پیرامون نظرخواهی درباره ادامه جنگ در راهپیمائی روز قدس گفته‌ایم. تبلیغات یک جانبه و انحصاری حاکمیت اعم از رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و نماز جمعه به هیچ وجه نمی‌تواند منعکس کننده نظر اکثریت مردم تلقی شود مگر آنکه از طریق همه‌پرسی (رفراندوم) به صورت آزاد و قانونی همراه با نظرات مردم نظرخواهی بشود.

به نظر نهضت آزادی ایران در صورتیکه چنین نظرخواهی انجام نگیرد استنباط هر فرد یا گروه به اندازه استنباط فرد یا گروه دیگر اعتبار دارد. اگر جمع زیادی از مردم در نمازهای جمعه و برخی از راهپیمائی‌ها شعار ادامه جنگ را تکرار می‌کنند و به سوی جبهه‌ها می‌روند در اجتماعات بزرگ دیگری چون اجتماع بیش از سی هزار نفری ورزشگاه شهید شیرودی (امجدیه) که مردم معمولاً از قشرهای مختلف جامعه در آن شرکت می‌کنند و از قشر و گروه خاصی نیستند به طوری که شاهدان عینی اطلاع می‌دهند علیرغم درخواست و اصرار گوینده برنامه، حتی یک نفر نیز شعار ادامه جنگ را تکرار نمی‌کند. در شرایط کنونی به نظر ما اکثریت مردم خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ هستند و با ادامه جنگ به شکل کنونی آن مخالفند.

۴- ایشان در قسمت دیگری از سخنان خود نظر ما را نقل کرده و می‌گویند:

”عاقبت جنگ جز نابودی اقتصادی و سیاسی ملت ایران و شکست انقلاب اسلامی و بی‌آبرویی اسلام در عالم نخواهد بود.“
و سپس اضافه می‌کنند که ”این تهمت‌ها واقعاً شرم آور است.“
ما در نشریه ”روزنه‌های امید“ که مطلب فوق از آن نقل شده است تأسف و نگرانی خود را با وجود همه جانبازی‌ها و ایثارگری‌های ملت و کاردانی و ظرفیت مسئولان جمهوری اسلامی از چنین سرنوشتی برای ادامه جنگ اعلام داشته‌ایم و نظر آقای هاشمی رئیس محترم مجلس را که گفته بودند ابرقدرتها خواهان تداوم جنگ و درگیری و تضعیف دو ملت هستند نقل کرده‌ایم.

در اینجا از آقای سلیمی می‌پرسیم آیا جنگ موجب بهبود وضع اقتصادی و اوضاع سیاسی - اجتماعی ملت شده و برای انقلاب و اسلام در عالم آبرویی کسب کرده است؟

متأسفانه واقعیت‌های جامعه به این سؤال پاسخ منفی می‌دهد. بیش از نیمی از بودجه مملکت را جنگ به خود اختصاص داده و پی‌آمدهای آن، ضایعات معنوی و مادی گسترده‌ای برای ملت ما بوده است. کاهش قیمت نفت نیز ابعاد این ضایعات را عمیق‌تر کرده و خواهد کرد. در این صورت این مطالب نه تنها تهمت نیست بلکه بیان واقعیت‌هاست و انتظار نمی‌رود ایشان بیان این واقعیت‌ها را که در سطح جامعه کاملاً چشمگیر است ”شرم‌آور“ بخوانند. شرم‌آور کتمان حقیقت است نه بیان آن.

۵- در مورد بدعت‌ها که در تلگرام تسلیت مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری آمده است بسیار به جاست ایشان به نزدیکان آن مرحوم مراجعه و از بدعت‌های مورد نظر ایشان که به تواتر نقل شده است مطلع شوند.

نهضت آزادی ایران